

ترامپ؛ روایت هبوط



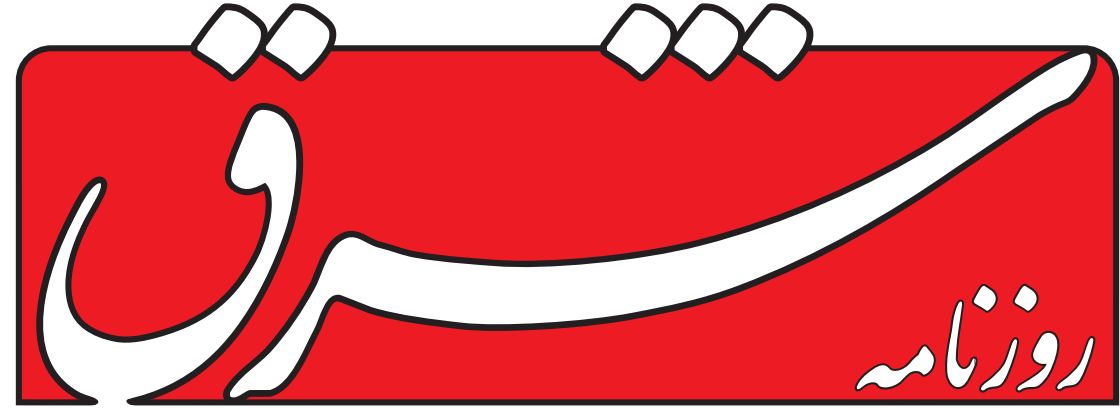
احمدغلامی

در روز پیروزی دونالد ترامپ به‌عنوان چهل‌وینجمین و چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، یکی از کارشناسان سیاست خارجی ایرانی که حدود نیم‌قرن در آمریکا زندگی کرده بود، در مصاحبه‌ای با یکی از شبکه‌های خارجی می‌گوید: این دوره انتخابات آمریکا تفاوت اساسی با دوره‌های پیشین داشته است، چراکه در انتخابات گذشته رسم بر این بود که هر خانواده آمریکایی عکس نامزد برگزیده خود را جلوی در خانه‌شان می‌زد تا عیان باشد او به چه کسی رأی می‌دهد، اما در این دوره به‌ویژه در کلان‌شهرها چنین اتفاقی رخ نداد، چون اختلاف‌نظر و آراء، چنان در بین مردم آمریکا که از آن به‌عنوان دوطبقی شدن جامعه آمریکا سخن می‌گویند، بالا گرفته بود که حتی بین اعضای خانواده هم راه یافته بود. از طرف دیگر اقلیتی نیز از اینکه می‌خواستند به دونالد ترامپ رأی دهند، شرم داشتند و آرای خود را علنی نکردند. اگر بخواهیم براساس این روایت جامعه آمریکا را مساحی کنیم، عده‌ای با باوری راسخ به ترامپ رأی دادند. در مقابل عده‌ای نزدیک به همین تعداد با باوری راسخ مخالف و هستند و اقلیتی با شرمندگی به او رأی داده‌اند. در چنین جامعه متلاطمی قرار است دونالد ترامپ آمریکا را اداره کند. پس اولین چیزی که عقلائی جمهوری خواه به او یادآوری خواهند کرد، این است که میدان بازیگری او محدود است، با اینکه جمهوری‌خواهان با در دست داشتن سنا و مجلس نمایندگان اقتداری کامل دارند. ازاین‌رو این دوره در تاریخ آمریکا دوره‌ای استثنائی است و از این به بعد جهان شاهد تغییراتی جدی در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی خواهد بود. آنچه بیش از هر چیز به دونالد ترامپ قدرتی استثنائی می‌بخشد، بازگشت دوباره او به صحنه قدرت است؛ بازگشتی که از بی یک تور نافرجام رخ داده است و جان بیه در بردن از این تور متقاعدش کرده او تاقت‌های جذاب‌افته و برگزیده خداوند است. او آمده تا آمریکا را نجات بدهد. ازاین‌رو حرف‌هایی که دونالد ترامپ می‌زند، برای کشورهایی مانند ایران که تاریخی شاهی را پشت سر گذاشته‌اند، ملموس است. روایت او هم از رؤسای جمهور پیشین برای ایرانیان آشنا است. روایت هبوط، روایت هبوط آمریکا است که ترامپ آمده تا آن را از خاک بر افلاک برگشد. دونالد ترامپ از دوره طلایی آمریکا سخن می‌گوید که باید به آن بازگردند. روایت هبوط و بازگشت به دوره طلایی در جامعه‌ای که مهد دموکراسی است و در آن نهاد‌های قدرتمند دموکراتیکی وجود دارد، پدیده حیرت‌انگیزی است. آیا جامعه آمریکا از این پس با دونالد ترامپ فره ایزدی را تجربه خواهد کرد؟ روایت هبوط و بازگشت به گذشته طلایی زمینه‌ساز اقتدارگرایی است. به‌ویژه بازگشت به گذشته طلایی چهان برای ما آشنا و ملموس است که نیازی به توصیف مجدد آن نیست. تاریخ سه‌هزارساله ایران مملو از این‌گونه تعبیر است. هرچند ایرانیان با روایت هبوط هم بیگانه نیستند اما برای جامعه آمریکا این‌گونه سخنان دونالد ترامپ جامعه آمریکا را تحت تأثیر قرار داد و موجب پیروزی قاطع جمهوری خواهان شد. در این پیروزی روایت هبوط از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همان روایتی که ژیک سخت مخالف آن است و آن را رد می‌کند و باور دارد چپ برای فرار از مسئولیت به آن پناه برده است. روایت هبوط روایتی است که همواره مصالح و ابزار کافی برای آن وجود دارد؛ لنین انقلاب را در زمان و مکانی غلط به راه انداخت و با این کار به مارکس خیانت کرد، استالین به لنین خیانت کرد، همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا اینکه مانو از راه رسید و کار را خراب کرد… چنین تاکتیک‌هایی در گفتار مسیحی هم به وفور دیده می‌شوند؛ مسیح منجی بزرگی بود. اما پل کار را خراب کرد؛ پل جوهر کلام انجیل را دریافت ولی سرِبعدی کاتولیسیم منجر به فراموشی آن شد؛ مسیحیت اولیه کاملا درست عمل می‌کرد تا اینکه به دست رم شرقی افتاد؛ لوتر جوهر انجیل را از نو به کار انداخت اما نهادسازی بعدی پروتستان‌ها به بیشن او خیانت کرد؛ تمدن مسیحی در اوج افتخار بود تا اینکه لوتر از راه رسید و وحدت مسیحی را نابود کرد و… و… و… ژیک در مخالفت با این منطق تأکید می‌کند: «هیچ تقابلی در کار نیست، هبوط را باید در خود خاستگاه درج کرد». روایت هبوط دونالد ترامپ تفاوتی اساسی با دیگر روایت‌ها دارد و آن چیزی نیست جز ترکیبی از روایت هبوط با لودگی و مسخرگی. روایتی مانند هنزل تاریخ و افتخار به آن. وحدت نقیضین این است که کار را برای مخالفان داخلی و خارجی ترامپ دشوار خواهد کرد. این چهره تازه‌ای از آمریکا است که جهان ناگزیر به مواجهه با آن خواهد بود. امروز که جمهوری خواهان در اوج اقتدار هستند، تنها راه تعدیل آنان دست برقضا همان جامعه دوطبقی آمریکا است. اما در جهان چه موانع تعدیل‌کننده‌ای در برابر آمریکا وجود دارد؟

۱. از کتاب ژیک و الهیات، نوشته آدام کوئسکو، ترجمه علیرضا گلای، نشر نی.

شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۳
۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۶
۹ نوامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۷۰
۵۰ هزار تومان
۱۲ + ۵۲ صفحه ویژه‌نامه فنی

روزنامه



در «شرق» امروز می‌خوانید: دختر ۱۱ ساله کاشمری توسط خانواده فرزندپذیر به قتل رسید؛ مرگ مهسا در خانه وحشت • کمپ‌های ترک اعتیاد چقدر موفق بوده‌اند؟ • روز سر نوشت برای استقلال و پرسپولیس

وزیر کشور و رئیس سازمان محیط زیست از توقف استفاده از مازوت در برخی نیروگاه‌های کشور خبر دادند

پایان مازوت‌سوزی؟

در همین زمینه: افت چشمگیر ذخایر مخازن سوخت نیروگاهی علت قطع احتمالی برق است نه آلودگی هوا



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

رئیس‌جمهوری در مراسم پاسداشت شیخ حسین انصاریان و با اشاره به ضرورت الگوگرفتن از قدرت رفتار او در جذب مردم

وقتی مشکل داریم در کردارمان بازنگری کنیم

یادداشت

ترامپ به کجا نظر دارد و به دنبال چیست



سیدعلی موجانی

مؤلف و پژوهشگر

درباره ترامپ و آینده سیاسی او کم و بیش مطالعه و بررسی کرده و گاه مطالبی منتشر کرده‌ام. یکی از آن نمونه‌ها، گفت‌وگوی بهمین ۱۳۹۹ با روزنامه شرق بود. آنجا خاطرنشان شد که چهل‌وینجمین رئیس‌جمهور آمریکا میراثی ناتمام دارد. در نوبت آخر ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ در گفت‌وگویی دیگر از بازآمدن و سلوک او در مقام چهل‌وهفتمین ریاست‌جمهور ایالات متحده چند سخنی بازگفته شده است. اکنون ترامپ – بدون آنکه شگفتی برایشم ایجاد کند– بار دیگر آمده است. در این چهره‌گشایی تازه فرصت دوباره برای او را نباید به منزله تکرار اینزودهای پر هیجان و گاه ماجراجویانه گذشته دانست. زیرا از شواهد بیاداست او قصد دارد در این دوره صرفا بر روی چند پرونده خاص متمرکز شود و با نتیجه‌گرفتن و ثبت آن، کارنامه ناتمام دو دوره ریاست‌جمهوری خود بر ۵۰ ایالت آمریکا را مزین کند. حتی به نظر می‌آید او هم‌زمان به آینده نیز نظر دارد و چه‌بسا خواهد از این منظر جایگاه نسل دوم خانواده ترامپ در تاریخ سیاسی آمریکا را – آن‌گونه که کندی‌ها و بوش‌ها پیش بردند– به آزمون بگذارد. بنا بر چنین تکرشی او در این نوبت عاقلانه و هوشمندانه‌تر از گذشته به سراغ جاذبه‌هایی خود خواهد رفت و البته همان‌گونه که اشاره شد، در این مسیر نیم‌نگاهی نسلی هم به امتداد سیادت خانواده ترامپ بر سیاست آمریکا دارد، پس برخلاف دوره قبل بعید نیست با یک ترامپ محتاط و هوشیار روبه‌رو باشیم.

براساس این مقدمه پرسش برابر ما آن است که اولویت اصلی برای

ترامپ از میان بحران‌های بی‌شمار داخلی و خارجی که گریبان آمریکا را

گرفته، کدام است و نگاه او برای اجرای یک «سیاست ملی و بین‌المللی

نتیجه‌بخش» سوی کدام «کنج و زاویه» از پست‌وای بازار سیاست جهان

روزگار ماست. اینجا عامدانه از کنج و زاویه یاد کردم تا به «اقتضا، ناچاری

و پنهانی» توجه دهم. زیرا آن که اصولا در گوشه و کنج افتاده، ممکن است

انتخاب محدودی داشته باشد و از سر ناگزیری در گوشه پستو زانو زند.

در نگاه اول ترامپ وارد معرکه‌های پرهزینه که بازرگان زیادی در آن

هستند و اجاع نظر درباره آنها نیاز به تکاپوی بسیار دارند، نخواهد شد.

این نافی آن نیست که او چشم خود را بر حوادث فلسطین و لبنان یا جنگ

روسیه و اوکراین، حتی شرایط چین و تایوان ببندد و دیپلماسی آمریکا را

معطل و بی‌کی بگذارد، با فرصت خودنمایی در ابراز مواضع و حضور در

صحنه مذاکرات احتمالی را نادیده نکارد. اتفاقا او دانسته است که برای

اقتصاد آمریکا این بازارها چقدر سودآوری دارد. همچنان که ویزولت با

ورود به جنگ، آمریکا را برنده جنگ بزرگ کرد، ترامپ نیز اگر جنگ را بزرگ

ارزیابی کند و بازنده را درست تشخیص دهد، بی‌محبا وارد نبرد خواهد

شد. اما مسئله اصلی این است که در این منازعات هنوز «جهت بازنده»

معلوم نیست تا سهم‌گیری آشکارا مقرون به صرفه باشد. از سوی دیگر،

ترامپ در هر اقدامی به پایگاه رأی خود و افکار عمومی جامعه آمریکا هم

توجه دارد. او یوسته به تزیین این باور دامن زده که مجد و شکوه آمریکا

به عنوان یک قدرت و یک ملت واحد حاصل کوشش اوست و آمده است

تا آنچه را «مایه شرمساری برای آمریکا» است از پیشانی مردم خود بزداید.

با این نگرش و براساس سخنرانی‌ها، مواضع و تک‌برانی‌های ترامپ

طی کارزار انتخاباتی، برای نویسنده این سطور روشن است که دستور کار

و معلوم است. او دریافته که یک اقدام ملی و بین‌المللی که کم‌هزینه‌تر

و نتیجه‌بخش‌تر باشد، کدام است. ترامپ حتی بسیار روشن معلوم کرده

اقدامی که محبوبیت داخلی او را چشمگیر کند و لگدی بر تایتوت خاطر

حکمرانی رقبای دموکراتش بزند، بازگشت به صحنه افغانستان است. او

رهبر انقلاب در دیدار رئیس

و اعضای مجلس خبرگان رهبری:

بر اساس وعده الهی و

تجربه میدانی پیروزی

مقاومت قطعی است

۲

برگزیده‌ها

میزبانی به تیم‌های لیگ و ملی برمی‌گردد؟

پروازها دغدغه جدید ایران

جالش‌های جمهوری خواهان در منطقه‌ای برتشت

دولت ترامپ-ونس خاورمیانه را چگونه می‌بیند



بررسی جالش‌ها و گرفتاری‌های تحمیلی به نوآوری‌های مالی در ایران

گام معلق فین‌تک‌ها

ویژه‌نامه «فنی‌ز» را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

نگاه

ترامپ به کجا نظر دارد و به دنبال چیست

یادداشتی از سیدعلی موجانی

۱

یادداشت

رژیم صهیونیستی و پرچم غلط



سیدصادق حقیقت

بیش از یک سال از عملیات هفتم اکتبر می‌گذرد. حماس و چند گروه شبه‌نظامی فلسطینی دیگر، حملات مسلحانه از نوار غزه به جنوب اسرائیل را «عملیات طوفان الاقصی» نامیدند. رژیم غاصب و متجاوز اسرائیل غیر از به شهادت رساندن رهبران حماس و حزب‌الله، بیش از ۵۰ هزار نفر غیرنظامی را در غزه به شهادت رساند و آنجا را با خاک یکسان کرد و مردم مظلوم فلسطین را از شمال به جنوب و مرز اردن کوچاند.

در تحلیل این مسئله، دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول آگاهانه و عادی‌بودن عملیات حماس است؛ هرچند اسرائیل این مسئله را بهانه کرد و به تلاقی، انتقام بسیار سختی از نظامیان و غیرنظامیان غزه گرفت. احتمال دوم این است که عملیات فوق «پرچم غلط» داشته باشد. این مسئله بین‌الملل نیز بین عمل و عکس‌العمل باید نوعی مشابهت وجود داشته باشد. مجروحان و کشته‌های اسرائیل حدود دو هزار نفر بودند، درحالی‌که شهدای غزه بیش از ۵۰ هزار نفر حدس زده می‌شوند. این مسئله، به‌علاوه تهاجم به حزب‌الله و یمن، نشان می‌دهد اسرائیل طرحی جامع برای محور مقاومت داشته است. در حقیقت، سیاست اسرائیل

را باید در قالب نقشه بزرگ‌تری دید. این مسئله، که در آن آمریکا برای خاورمیانه خواب‌هایی دیده، تحلیل کرد.

۵ صفحه ادامه‌دار